

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۷ اگست ۲۰۱۶

مسکو و تل ابیب با هم نزدیک می شوند

شرق میانه به سوی تحولات عمیق سیاسی و ستراتیژیک روان است. نقش روسیه من حیث قدرت بیرونی قابل ملاحظه است. بحران سوریه و کودتای نافرجام در ترکیه، روسیه را بیشتر نسبت به گذشته در بحران شرق میانه دخیل ساخته است. حمایت متداوم روسیه از نظام بشار اسد، نه تنها ابتکار عمل را از غرب ربوده، بلکه روسیه را در جایگاه خاصی در شرق میانه قرار داده که از نظر تل ابیب دور نمانده است. قدرت نمائی روسیه در سطح جهانی و بالاخص در شرق میانه، دو خصم یعنی روسیه و اسرائیل را در جهت همکاری بی سابقه سوق داده است. درین جا نزدیکی روسیه و اسرائیل را مورد ارزیابی قرار داده و اهمیت همکاری فیما بین این دو کشور را مورد توجه قرار می دهیم.

با استفاده از بحران سوریه، ناتانیاهو به تاریخ ۷ جون سال جاری سفری به مسکو دست تا بتواند با رهبران روسیه از نزدیک دیدار نموده و موقف روسیه را در قبال اسرائیل و تهدیدات تندروان اسلامی در سوریه و عراق بداند. اسرائیل در آغار حامی سقوط نظام اسد بود، اما مداخله سیاسی و نظامی مسکو به نفع اسد و بهتر شدن موضع نظامی اش در رویارویی با گروه های مخالف که از حمایت غرب برخوردارند، تل ابیب را وادار ساخته است که اهمیت وزن سیاسی مسکو را در منطقه فراموش نکند. حمایت قاطع امریکا از اسرائیل و روابط خاص ستراتیژیک بین واشنگتن و تل ابیب، زیر بنای سیاست خارجی اسرائیل را می سازد. معهذا، اسرائیل نمی تواند نقش تعیین کننده و عروج روسیه را نه تنها در شرق میانه بلکه در سطح جهانی نادیده بگیرد.

در دیدار ماه جون بین رهبران دو کشور، پوتین به همکاری با اسرائیل اصرار ورزید و تأکید نمود که هر دو کشور باید متحدانه علیه تهدیدات تروریسم اسلامی به پا خیزند. پوتین خواست که با استفاده از فرصت و ناخرسندی ناتانیاهو از اوپاما، اسرائیل را از همکاری روسیه اطمینان دهد. اسرائیل هم می خواهد که بدیل های دیگری در سیاست خارجی خود بیابد و از اتکای صد در صد به واشنگتن رها گردد. تل ابیب درک کرده است که جهان یک قطبی آهسته آهسته جای خود را به جهان چند قطبی می دهد که روسیه یکی از آن قطب ها خواهد بود. اسرائیل همچنان برای امنیت خود به همکاری ستراتیژیک با مسکو نیاز مبرم دارد. تحولات شرق میانه و ناکامی های پی در پی امریکا در تیاتر این منطقه، اسرائیل را متقاعد ساخته است که نمی توان اهمیت سیاسی و نظامی روسیه را ناچیز شمرد. در دیپلماسی روسیه و اسرائیل، نکات آتی قابل تأمل است.

اول: روسیه و اسرائیل هر دو حامی ثبات در سوریه اند. با وجودی که تل ابیب به صراحت از اسد حمایت خود را اعلام نکرده است، لکن تغییرات در سوریه، خاصاً عروج تند روان سنی در صحنه سیاسی این کشور، مسکو و تل ابیب را در یک جبهه مشترک ضد تندروان اسلامی قرار داده است. اسرائیل در هراس است که اگر اسد سقوط نماید، تندروان سنی مانند داعش و القاعده به سرحدات این کشور نزدیک خواهند شد و جهنمی برپا خواهند کرد. در چهار سال اول، اسرائیل به تشویق امریکا گروه های معتدل مخالف اسد را که مقاصد سیاسی و امنیتی اسرائیل را برآورده می ساختند حمایت نمود و مقدار اسلحه و مواد ارتزاقی به آنها فرستاد. تصور اسرائیل این بود که نظام اسد به زودی سقوط خواهد کرد و اسرائیل نباید گروه های بر سر اقتدار بعدی را که خلای اسد را پر می کردند، به جنگ بطلبد. اما پایداری اسد و کمک عظیم نظامی روسیه به وی و داخل شدن این کشور در تیاتر سوریه که باعث تغییرات عمده در صحنه رقابت سیاسی و نظامی سوریه شده است، فارمول اسرائیل را در مقابله با بحران سوریه تغییر داد و این کشور را وادار ساخت که به سوی مسکو نظر افگند و در واقعیت تقاضای کمک نماید. باوجودی که اسرائیل مواضع حزب الله لبنان را در سوریه که به نفع اسد می جنگد، گاه گاهی مورد حملات هوایی قرار می دهد، لکن مسکو در این خصوص اعتراضی به اسرائیل نکرده است. قابل یاد آوری است که حزب الله لبنان، ایران و روسیه مشترکاً در نگهداری نظام اسد همکاری می نمایند و در یک "اتحادیه مقدس" با یک دیگر داخل اند. باوجود این، شاید مسکو حساسیت تل ابیب را در مورد امنیت اسرائیل درک کرده باشد و روی همین دلیل اعتراضی به حملات اسرائیل به ضد حزب الله نکرده است. قابل یاد آوری است که تل ابیب و مسکو همچنان همکاری خود را به ارتباط سوریه بیشتر ساخته تا از برخورد های احتمالی در فضا جلوگیری به عمل آید که در واقعیت تأیید حضور نظامی روسیه در سوریه است. برای جلب توجه بیشتر مسکو، اسرائیل همکاری نظامی خود را با جورجیا کاهش بخشیده و به ضمیمه ساختن جزیره کریمیه به روسیه اعتراض نکرده است. در روز هائی که اسرائیل به خاطر روش ضد انسانی اش در فلسطین، در زیر فشار افکار عامه جهان قرار دارد، باز شدن یک مجرای سیاسی دیگر برای تل ابیب یک بازی جدید منطقه ئی خواهد بود.

دوم: اسرائیل معتقد است که همکاری با روسیه می تواند این کشور را در نگهداری توازن قواء مساعدت کند و از تندروی ایران و حزب الله بکاهد. در تیاتر سوریه، ایران و حزب الله موقف غیر قابل تردید ضد اسرائیلی دارند. پالیسی سازان اسرائیل به این تصور اند که همکاری اسرائیل با روسیه سبب خواهد شد که مسکو روزی مانند یک میانجی در شرق میانه عمل نماید و سوریه اسد، ایران و حزب الله را به میانه روی و روش معتدل تر در تقابل با اسرائیل دعوت نماید. باوجودی که اسرائیل از نگاه قدرت نظامی دست بالا دارد، لکن ما رزم آرائی حزب الله را در برخورد نظامی سال ۲۰۰۶ دیدیم که برای اسرائیل غیر قابل باور بود. تل ابیب نمی خواهد که آن صحنه دوباره تکرار گردد، با ملاحظه این که حزب الله نسبت به سال ۲۰۰۶ قویتر و آزموده تر شده است. نزدیکی مسکو و تل ابیب می تواند تشاویش اسرائیل را در ارتباط با امنیت این کشور کاهش دهد و از وزن مسکو در مهار احتمالی حزب الله و سوریه برخاسته از زیر خاکستر جنگ های تحمیلی اخیر مستفید گردد. در مقابل، اسرائیل به مداخله روسیه در سوریه اعتراض نکرده و سد راه پرواز های طیارات جنگنده روسیه در فضای سوریه نشده است. حسن نیت هر دو زمینه ساز نزدیکی بیشتر این دو کشور خواهد شد.

سوم: تل ابیب آرزومند است که روسیه برای مدتی در سوریه باقی بماند. پالیسی سازان اسرائیل وجه منفی عقب نشینی روسیه را از تیاتر سوریه ارزیابی می کنند و به این باورند که تداوم بحران سوریه نه تنها مستلزم حضور نظامی روسیه در این کشور است، بلکه حتا همکاری دو جانبه بین اسرائیل و روسیه را تقویت خواهد بخشید. چینی که پوتین از عقب کشیدن قسمتی از قوای روسیه در ماه مارچ سال ۲۰۱۶ حرف زد، تل ابیب را سخت در دلهره انداخت، به تصور

این که تیاتر سوریه کلاً در اختیار سازمان قدس ایران و حزب الله لبنان قرار خواهد گرفت. اسرائیل از سازمان قدس ایران سخت در هراس است و آن را معادل داعش و القاعده می داند. از نظر گاه اسرائیل، حضور نظامی روسیه در سوریه بهترین وسیله برای مهار کردن ایران و جلوگیری از زیاده روی های سازمان قدس است که ضدیت ضد اسرائیلی را همیشه با خود دارند.

برای آرامش اسرائیل و تأیید موقف مسکو در قبال بحران سوریه، پوتین به ناتانیاهو اطمینان داد که روسیه دو پایگاه بحری سوریه را در اختیار خود خواهد داشت و آنها را به ایران نخواهد داد. پوتین همچنان تأکید کرد که عقب نشینی روسیه از سوریه، آنها را اگر اتفاق بیفتد، تدریجی خواهد بود نه یکبارگی. بایست یاد آور شد که کشور ها منافع امنیتی خود را بهتر تشخیص می دهند. با وجود نزدیکی مسکو و تل ابیب، اسرائیل آرزو ندارد که حضور دایمی و وسیع روسیه را در سوریه ببیند آنها با آن اندازه که سوریه اسد بار دیگر یک قدرت منطقه شود.

با ملاحظه حالات بالا، به این نتیجه می رسیم که حدود نزدیکی روسیه و اسرائیل تعیین شده و هر دو پا را از گلیم فراتر نمی گذارند. دیپلماسی تل ابیب در قبال مسکو، تأیید نسبی حضور نظامی روسیه در سوریه است تا بتواند از زیاده روی ایران و حزب الله جلوگیری به عمل آورد. مسکو هم سعی دارد که حلقه محاصره ناتو را در هم شکند و مجرای دیگری برای تضعیف ناتو و بالاخص امریکا بیابد. تیاتر سوریه و همکاری با اسرائیل نشانه ای از موفقیت دیپلماسی مسکو در قبال غرب و ناتو است.